

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال دهم شماره ۳۷ بهار ۱۳۹۴

نقش خودکارآمدی عمومی و نقش‌های جنسیتی مردانگی و زنانگی در سرسختی روان‌شناختی

سپه‌یلا هاشمی^۱

ام‌البنین احمدی^۲

چکیده

هدف این پژوهش، تعیین نقش خودکارآمدی عمومی و نقش‌های جنسیتی در سرسختی روانشناختی بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای ۱۹۲ دانشجوی دوره کارشناسی ارشد از گروه‌های تحصیلی سخت (ریاضی محض، علوم کامپیوتری و فیزیک) و نرم (علوم تربیتی، ادبیات انگلیسی، ادبیات فارسی و اقتصاد) در دانشگاه مازندران انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مقیاس اندازه‌گیری سرسختی روان‌شناختی، مقیاس خودکارآمدی عمومی و مقیاس نقش جنسیتی بجم‌آوری گردید. یافته‌ها نشان داد بین سرسختی روان‌شناختی با خودکارآمدی عمومی و نقش‌های جنسیتی مردانگی و زنانگی به ترتیب همبستگی $0/55$ ، $0/37$ - $0/097$ وجود دارد. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد تنها متغیر خودکارآمدی عمومی می‌تواند $31/5$ درصد واریانس سرسختی روان‌شناختی را تبیین نماید و این نمایانگر آن است صرف‌نظر از پذیرش نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه، بین مواجهه مؤثر با چالش‌های زندگی و تصور فرد از قابلیت‌ها و کارایی شخصی ارتباط وجود دارد.

واژگان کلیدی: سرسختی روان‌شناختی؛ خودکارآمدی؛ نقش‌های جنسیتی

مقدمه

طبق فلسفه اگزیستانسیالیسم^۱ هدف نهایی زندگی انسان «خلق معنی شخصی از طریق تصمیم‌گیری و عمل در پیگیری مداوم امکانات» است. برحسب این نگاه برخی افراد به واسطه برخوردار بودن از مجموعه نگرش‌ها، باورها و گرایش‌های رفتاری پس از تجربه درجات بالایی از استرس در موقعیت‌های گوناگون زندگی هم‌چنان از سلامت روانی برخوردارند. کوباسا^۲ (۱۹۷۹) این توانمندی روان‌شناختی را سرسختی^۳ روان‌شناختی نامید که مشتمل بر سه مؤلفه تعهد^۴ کنترل^۵ و به چالش کشیدن^۶ است (لامبرت، لامبرت و یاماسا، ۲۰۰۳).

سرسختی روان‌شناختی به‌عنوان شیوه‌ای برای مفهوم‌سازی به‌هم پیوسته ادراک خویشتن از تعهد، کنترل و به چالش کشیدن است که در مدیریت موقعیت‌های استرس‌زا به‌کار گرفته می‌شود تا آن را به یک تجربه رشدی تبدیل نماید نه یک تجربه ناتوان‌کننده. افرادی که در تعهد قوی هستند در پیدا کردن راه‌های تبدیل تجربه‌هایشان به اموری جالب و مهم و درگیر شدن در تجربه‌ها به‌جای کناره‌گیری از آن‌ها به‌خود متکی هستند. افرادی که در کنترل قوی هستند بر این باورند از طریق تلاش می‌توانند اغلب اوقات بر جریان رخداد‌های پیرامون شان تأثیرگذارند، لذا خود را قربانی منفعل شرایط نمی‌دانند. سرانجام، افرادی که در به چالش کشیدن موقعیت‌های استرس‌زا قدرتمند هستند معتقدند، شکوفایی در رشد مداوم خردمندی از طریق آنچه که از تجربه آموخته می‌شود، حاصل می‌گردد تا آن‌که فرآورده شرایط عادی، آسان و امن باشد. اگرچه شواهد نشان داده است تعهد، کنترل و به چالش کشیدن به هم وابسته می‌باشند اما یک مفهوم نیستند؛ آن‌ها با هم مثبت‌اندیشی و انعطاف‌پذیری^۷ در برخورد با تکالیف زندگی را موجب می‌شوند (مدی و خوشابا، ۱۹۹۴).

1- Existentialism
3- Hardiness
5- Control
7- Resiliency

2- Kobasa
4- Commitment
6- challenge

ویژگی‌های فردی مانند انگیزش، سبک مقابله و گرایش‌های شخصیتی همگی می‌توانند در چگونگی پاسخگویی افراد به استرس‌ها و میزان سرسختی تأثیر داشته باشند. خودکارآمدی^۱ به‌عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند نحوه مواجهه فرد با تکالیف زندگی و استرس‌های ناشی از آن را تعیین نماید. به‌عبارت روشن‌تر، باور یا قضاوت‌های افراد در مورد قابلیت‌ها و شایستگی‌هایشان برای سازماندهی و به کار بستن مجموعه‌ای از اعمال برای رسیدن به سطحی مطلوب از عملکرد (بندورا، ۱۹۹۷) افراد را به مبارزه با چالش‌های زندگی و کسب تجربه‌های ارزشمند ترغیب می‌نماید (سیگنر تیمهالی، ۱۹۹۰ به نقل از نیلسن، ۲۰۰۹).

بندورا^۲ (۱۹۹۴) معتقد است باور خودکارآمدی بر شیوه تفکر و واکنش‌های ذاتی افراد اثر می‌گذارد و انگیزش‌ها و رفتار افراد را تعیین می‌کند. افرادی که خودکارآمدی بالایی دارند به‌هنگام برخورد با شرایط دشوار راحت‌تر و مولدترند در حالی که افراد با خودکارآمدی پایین بر این باورند که آن‌ها از آنچه که در واقعیت است سخت‌تر تلاش می‌کنند. چنین طرز فکری موجب افزایش اضطراب و استرس و کاهش توانایی حل مسئله می‌گردد (پاجارس، ۲۰۰۲ به نقل از کاکار، ۲۰۱۲). به‌نظر می‌رسد، سطح بالایی از خودکارآمدی و حل بهتر و کارآمدتر مسائل و مواجهه با چالش‌های زندگی به لحاظ نظری می‌تواند با سطح بالایی از سرسختی روان‌شناختی مرتبط باشد. با مروری بر ادبیات نظری و پژوهشی روان‌شناسی می‌توان دریافت قابلیت‌های رفتاری و شناختی که به افراد کمک می‌کند رخداد‌های درونی را تنظیم نمایند و انطباق کارآمدتری را با زندگی داشته باشند، سطح بالایی از بهزیستی روانی و رضایت زندگی را سبب می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد در این راستا سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی به‌واسطه مشتمل شدن شایستگی‌ها و توانایی‌های کارآمد در برخورد مؤثر با تکالیف زندگی و اتخاذ رویکردی مسئله‌مدار جهت حل مسائل و چالش‌ها در جنبه‌های گوناگون شرایط زندگی می‌توانند با هم مرتبط باشند.

1- Self-efficacy

2- Bandura

مطالعه روی سازه‌های روان‌شناختی با بحث جنسیت و مقایسه بین زنان و مردان گره خورده است، به طوری که پژوهش در خصوص تفاوت‌های جنسیتی در قابلیت‌های شناختی و روان‌شناختی مدخل قابل تأملی در روان‌شناسی جنسیت می‌باشد. مردانگی با مشخصه‌های پیشرفت‌مداری، اقتدارطلبی، رقابت‌جویی، تسلط و کنترل، خودبسندگی و زنانگی با صفاتی چون مهربانی، صمیمیت، وفاداری، حفظ روابط بین فردی نمایانگر تمایز میان نقش‌های جنسیتی است که در گستره فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی حاصل می‌شود (بم، ۱۹۷۸ به نقل از زوسانس، میلر، رابل، مارتین و فابس، ۲۰۱۱).

سرسختی روان‌شناختی به‌عنوان توانایی مقابله مؤثر و کارآمد با چالش‌ها و استرس‌های زندگی از طریق به‌کارگیری راهبردهای مسئله‌مدار و تحت کنترل درآوردن آن‌ها می‌تواند با ویژگی‌ها و صفاتی که به‌طور کلیشه‌ای و سنتی از نقش‌های مردانه انتظار می‌رود همسویی داشته باشد، به‌گونه‌ای که حتی برخی از روان‌شناسان (برای مثال، شپرد و کاشانی، ۱۹۹۱؛ بنیشک و لوپز، ۱۹۹۷ و کلاگ و بردلی، ۲۰۰۴ به نقل از هیستاد، ۲۰۱۲) معتقدند، به‌واسطه همسویی مؤلفه‌های سرسختی روان‌شناختی با شیوه‌های مقابله مردان، به‌نظر می‌رسد این سازه بیش‌تر با نقش‌های مردانه در ارتباط باشد تا نقش‌ها و شیوه‌های مقابله‌ای که به‌طور کلیشه‌ای زنانه تعریف شده‌اند. آنها در مطالعات‌شان دریافته‌اند بین زنان و مردان در سرسختی روان‌شناختی تفاوت وجود دارد به طوری که مردان سرسخت از راهبردهای مقابله شناختی و رفتاری کارآمدتری چون حل مسئله استفاده می‌کنند، درحالی‌که زنان بیشتر در جهت استفاده از راهبردهای اجتنابی می‌باشند.

با توجه به در هم تنیدگی سازه‌های روان‌شناختی با مقوله جنسیت این پژوهش به‌دنبال آن است تا دریابد آیا سرسختی روان‌شناختی با نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه همبستگی دارد؟ و آیا خودکارآمدی عمومی به‌عنوان سازه‌ای که می‌تواند به‌لحاظ نظری با سرسختی روان‌شناختی همبسته باشد به همراه نقش‌های جنسیتی در تبیین سرسختی روان‌شناختی سهمی دارد؟ به‌عبارت دیگر این پژوهش در پی پاسخگویی به پرسش‌های ذیل می‌باشد:

۱) آیا بین سرسختی روان‌شناختی، خودکارآمدی عمومی و نقش‌های جنسیتی مردانگی و زنانگی رابطه وجود دارد؟

۲) خودکارآمدی عمومی و نقش‌های جنسیتی مردانگی و زنانگی چه سهمی از واریانس سرسختی روان‌شناختی را تبیین می‌نمایند؟

به‌علاوه، برحسب وجود کلیشه‌های اجتماعی در خصوص مقبولیت رشته‌های مرتبط با حیطه‌های علوم و فناوری و ارتباط آن با امکانات شغلی بیش‌تر در بخش‌های گوناگون جامعه و ماهیت رقابت‌گونه رشته‌های مرتبط با علوم و فناوری در تولید ایده‌ها و مطالعات پژوهشی، در این مطالعه این پرسش نیز مطرح می‌گردد که آیا دانشجویان حیطه‌های تحصیلی سخت (ریاضی محض، علوم کامپیوتری، فیزیک) و نرم (علوم تربیتی، زبان و ادبیات انگلیسی، زبان و ادبیات فارسی و اقتصاد) بر اساس تقسیم‌بندی بیگلن^۱ (۱۹۷۳) به نقل از نلسون لایرد، شاپ، گاه و شوارز، ۲۰۰۸) در سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی با هم تفاوت دارند؟

روش

از آنجا که در این پژوهش رابطه بین سرسختی روان‌شناختی، خودکارآمدی عمومی و نقش‌های جنسیتی بررسی می‌شود، پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است.

آزمودنی‌ها

جامعه پژوهش کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد (زن و مرد) رشته ریاضیات محض، علوم کامپیوتری، فیزیک و رشته‌های علوم تربیتی، زبان و ادبیات انگلیسی، ادبیات فارسی و اقتصاد است. با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم جامعه در هر یک از گروه‌های تحصیلی مذکور از طریق فرمول برآورد حجم نمونه کوکران تعداد ۱۹۲ نفر از دانشجویان مشتمل بر ۶۵ نفر در رشته‌های تحصیلی سخت (ریاضی محض، علوم کامپیوتری، فیزیک و ۱۲۷ نفر در رشته‌های تحصیلی نرم (علوم تربیتی، زبان و ادبیات

1- Biglen

انگلیسی، ادبیات فارسی و اقتصاد) انتخاب گردید. از مجموع تعداد افراد نمونه مورد پژوهش ۵۴ نفر مرد و ۱۳۶ نفر زن بودند و دو نفر نیز جنسیت خود را اعلام ننمودند.

ابزار اندازه‌گیری

مقیاس اندازه‌گیری سرسختی روان‌شناختی: این مقیاس توسط کیامرثی، نجاریان و سهرابی‌زاده هنرمند (۱۳۷۷) در دانشگاه شهید چمران اهواز ساخته و اعتباریابی شده است. پرسشنامه دارای ۲۷ ماده است و هر ماده دارای چهار گزینه «هرگز»، «به‌ندرت»، «گاهی اوقات» و «بیشتر اوقات» است. در نمره‌گذاری برای هر ماده به ترتیب مقادیر ۰، ۱، ۲، ۳ در نظر گرفته شده است. به استثنای عبارات ۶، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۷، ۲۱ که دارای بار عاملی منفی هستند و به شیوه معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمره در این پرسشنامه عدد ۰ تا ۸۱ است. کسب نمره بالا در این پرسشنامه نشان‌دهنده سرسختی روان‌شناختی بالا در فرد است. کیامرثی و همکاران (۱۳۷۷) ضرایب پایایی پرسشنامه را به دو روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۷۶ محاسبه کردند. غفوری، کمالی و نوری (۱۳۸۷) روایی این آزمون را به روش روایی همزمان با سه ملاک مقیاس اضطراب عمومی، پرسشنامه افسردگی و خود شکوفایی مازلو محاسبه کردند، ضرایب به دست آمده به ترتیب ۰/۶۵، ۰/۶۷، ۰/۶۲ بود که کلیه ضرایب در سطح $P < 0/001$ معنادار بودند. در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ ضریب پایایی ۰/۷۸ محاسبه گردید.

مقیاس اندازه‌گیری خودکارآمدی عمومی: مقیاس خودکارآمدی عمومی توسط شوارتزر و جروسلم (۱۹۷۹) به منظور ارزیابی خودکارآمدی عمومی و اجتماعی ساخته شد. آزمون مذکور دارای ۲۰ عبارت و دو زیر مقیاس خودکارآمدی عمومی و اجتماعی بود.

در سال ۱۹۸۱ شوارتزر و جروسلم آزمون را مورد بازنگری قرار داده و تعداد عبارات آن را به ۱۰ مورد کاهش دادند. بنابراین پرسشنامه باورهای خودکارآمدی عمومی دارای ۱۰ عبارت است که همگی میزان خودکارآمدی عمومی را می‌سنجند. گویه‌ها بر اساس

طیف لیکرت ۴ درجه‌ای (از اصلاً صحیح نیست ۱ تا کاملاً صحیح ۴) نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمرات احتمالی این آزمون در طیفی از ۱ تا ۴۰ قرار دارد.

شوارتزر و همکاران (۱۹۹۷) ضرایب همسانی درونی خودکارآمدی عمومی را در دانشجویان فرهنگ مختلف محاسبه نمودند و طیفی از ضرایب پایایی ۰/۹۱ تا ۰/۸۱ را محاسبه نمودند. در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ ضریب پایایی ۰/۸۰ محاسبه گردید.

مقیاس اندازه‌گیری نقش جنسیتی بم: آزمون نقش جنسیتی بم شامل ۶۰ عبارت توصیفی است که در آن از پاسخ دهندگان خواسته می‌شود برای هر مورد نشان دهند در مقیاسی از ۱ (هرگز یا تقریباً هرگز درست نیست) تا ۷ (همیشه یا تقریباً همیشه درست است) آن صفت یا عبارت تا چه حد می‌تواند آن‌ها را توصیف کند. از ۶۰ صفت موجود، ۲۰ عبارت یا صفت به صورت کلیشه‌ای زنانه است، ۲۰ صفت یا عبارت به صورت کلیشه‌ای مردانه و ۲۰ صفت خنثی است. آزمودنی‌ها در صورتی دوجنسیتی هستند که نمرات آنها در مقیاس مردانگی و نیز در مقیاس زنانگی بالاتر از میانه باشد (میانه در هر یک از این مقیاس‌ها معمولاً حدود ۴/۹ است). بم (۱۹۸۱) همسانی درونی این مقیاس را ۰/۹۰ محاسبه نمود و در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۸ محاسبه گردید.

روش تحلیل داده‌ها

در تحلیل داده‌ها شاخص‌ها و روش‌های آمار توصیفی، ضرایب همبستگی، تحلیل رگرسیون همزمان و آزمون t مستقل به کار رفته است.

یافته‌ها

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود میانگین سرسختی روان‌شناختی دانشجویان مرد در گروه تحصیلی سخت (فیزیک، ریاضی محض، علوم کامپیوتری) و نرم (علوم تربیتی، زبان انگلیسی، ادبیات فارسی و اقتصاد) به ترتیب ۵۱/۱۲ و ۵۰/۸۸ است که از

حد متوسط (۴۰/۵) بالاتر هستند. همچنین میانگین خودکارآمدی عمومی دانشجویان مرد در دو گروه تحصیلی مورد نظر به ترتیب ۲۸/۱۷، ۲۸/۸۴ و برای دانشجویان زن در گروه‌های تحصیلی مذکور به ترتیب ۲۷/۸۹، ۲۷/۲۷ است که همگی از حد متوسط (۲۰) بالاتر هستند.

جدول (۱) میانگین و انحراف معیار نمره‌ها در سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی

مقیاس	گروه تحصیلی	جنس	میانگین	انحراف معیار
گروه تحصیلی سخت سرسختی روان‌شناختی	مرد	۵۱/۴۷	۶/۹۱	
	زن	۵۲/۶۱	۹/۲۱	
گروه تحصیلی نرم سرسختی روان‌شناختی	مرد	۵۲/۴۲	۷/۶۸	
	زن	۵۰/۳۳	۸/۶۷	
گروه تحصیلی سخت خودکارآمدی عمومی	مرد	۲۷/۶۵	۴/۰۸	
	زن	۲۸/۸۳	۵/۰۶	
گروه تحصیلی نرم خودکارآمدی عمومی	مرد	۲۸/۹۶	۳/۷۴	
	زن	۲۷/۰۸	۴/۴۳	

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، میانگین نمرات دانشجویان در نقش جنسیتی بم در مقیاس مردانگی و مقیاس زنانگی به ترتیب ۴/۷ و ۴/۹ است که از میانه ۴/۹ در هر یک از مقیاس‌ها به‌طور جداگانه کمتر می‌باشد. لذا دانشجویان مورد پژوهش در مقیاس دو جنسیتی دسته‌بندی نمی‌شوند.

جدول (۲) میانگین و انحراف معیار نمره‌ها در نقش جنسیتی

مقیاس	میانگین	انحراف معیار
مردانگی	۴/۷	۰/۷۳۵
زنانگی	۴/۹	۰/۵۷۲

طبق داده‌های جدول ۳ آمارهای Z حاصل در سطح بزرگ‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار هستند. بنابراین، فرض زمان بودن توزیع متغیرهای مورد بررسی تأیید می‌شود.

جدول (۳) آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی مفروضه نرمال بودن

سرسختی روانشناختی	خودکارآمدی عمومی	مردانگی	زنانگی
۰/۶۲۸	۰/۷۷۲	۱/۲۳۶	۰/۵۴۲
۰/۸۲۵	۰/۵۹۰	۰/۰۹۴	۰/۹۳۱

۱- آیا بین سرسختی روان‌شناختی، خودکارآمدی عمومی و نقش‌های جنسیتی مردانگی و زنانگی همبستگی وجود دارد؟

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود تحلیل رابطه بین سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی حاکی از آن است همبستگی بین سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی ($r=0/55$) در سطح اطمینان ($P<0/99$) معنی‌دار است. درحالی‌که هیچ‌یک از نقش‌های جنسیتی مردانگی و زنانگی با سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی همبستگی معنی‌داری ندارند.

جدول (۴) ماتریس همبستگی بین سرسختی روان‌شناختی، خودکارآمدی عمومی و نقش‌های جنسیتی

سرسختی روانشناختی	خودکارآمدی	مردانگی	زنانگی
۱	**۰/۵۵	-۰/۰۳۷	-۰/۰۹۷
خودکارآمدی عمومی	۱	-۰/۰۶۱	-۰/۰۰۹
مردانگی		۱	۰/۲۵۴**
زنانگی			۱

** $P<0/01$

۲- خودکارآمدی عمومی و نقش‌های جنسیتی مردانگی و زنانگی چه مقدار از سرسختی روان‌شناختی را تبیین می‌کنند؟

تحلیل رابطه بین خودکارآمدی و نقش‌های مردانگی و زنانگی در دانشجویان نشان می‌دهد (جدول ۵) حاصل $F(28/77)$ در سطح $P < 0/001$ معنی‌دار است. بنابر این می‌توان سرسختی روان‌شناختی را از خودکارآمدی عمومی و نقش‌های جنسیتی مردانگی و زنانگی پیش‌بینی کرد. مقدار $R^2(0/315)$ نمایانگر آن است ۳۱/۵ درصد واریانس سرسختی روان‌شناختی توسط متغیرهای مستقل (خودکارآمدی عمومی و نقش‌های جنسیتی) قابل تبیین می‌باشد.

جدول (۵) خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون سرسختی روان‌شناختی بر خودکارآمدی عمومی و نقش‌های جنسیتی مردانگی و زنانگی

شاخص مدل	SS	df	Ms	F	p	R	R2	SE
رگرسیون	۴۲۹۶/۲۰	۳	۱۴	۲۸/۷۷	۰/۰۰۱	۰/۳۰۴	۰/۳۱۵	۷/۰۵۴

تحلیل رابطه بین خودکارآمدی و نقش‌های مردانگی و زنانگی در دانشجویان نشان می‌دهد (جدول ۵) حاصل $F(28/77)$ در سطح $P < 0/001$ معنی‌دار است. بنابر این می‌توان سرسختی روان‌شناختی را از خودکارآمدی عمومی و نقش‌های جنسیتی مردانگی و زنانگی پیش‌بینی کرد. مقدار $R^2(0/315)$ نمایانگر آن است ۳۱/۵ درصد واریانس سرسختی روان‌شناختی توسط متغیرهای مستقل (خودکارآمدی عمومی و نقش‌های جنسیتی) قابل تبیین می‌باشد.

متغیر	B	SEB	eta	t	Sig
خودکارآمدی عمومی	۱/۰۴۵	۰/۱۱۴	۰/۵۵۳	۹/۱۴۸	۰/۰۰۱
نقش جنسیتی مردانگی	۰/۲۵	۰/۷۱۹	۰/۰۲۲	۰/۳۴۷	۰/۷۲۹
نقش جنسیتی زنانگی	-۱/۴۴۹	۰/۹۲۱	-۰/۰۹۸	-۱/۵۷۲	۰/۱۱۸

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود متغیر خودکارآمدی عمومی عامل مؤثر بر سرسختی روان‌شناختی است. با توجه به ضریب Beta تأثیر خودکارآمدی عمومی به‌عنوان متغیر پیش‌بین بر سرسختی روان‌شناختی افزایش می‌دهد. ضریب بتای ۰/۵۵ خودکارآمدی

عمومی نشانگر آن است که به ازای یک انحراف معیار افزایش در خودکارآمدی عمومی ۰/۵۵ انحراف معیار افزایش در سرسختی روان‌شناختی به وجود می‌آید.

۳- آیا بین دانشجویان گروه‌های تحصیلی سخت و نرم در سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی تفاوت وجود دارد؟

جدول (۶) آزمون t برای مقایسه میانگین نمره‌های دانشجویان گروه‌های تحصیلی سخت و نرم در سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی

متغیر	جنس	N	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد	آزمون لون برای برابری واریانس‌ها	اختلاف میانگین	t	df	Sig
						F	sig			
سرسخت	سخت	۶۵	۵۲/۰۹	۸/۳۹	۱/۰۴۱					
روان‌شناسی	نرم	۱۲۷	۵۰/۷۵	۸/۴۷	۰/۷۵۱					
خودکارآمدی	سخت	۶۵	۲۸/۴۱	۴/۷۰۳	۰/۵۸۳					
عمومی	نرم	۱۲۷	۲۷/۵۰	۴/۳۴۵	۰/۳۸۵					

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود نتایج آزمون t برای سرسختی روان‌شناختی از آن است بین میانگین دانشجویان گروه‌های تحصیلی سخت و نرم در سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

۴- آیا بین دانشجویان مرد و زن در سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی تفاوت وجود دارد؟

همان‌طور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود نتایج آزمون t برای سرسختی روان‌شناختی است بین میانگین دانشجویان مرد و زن در سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول (۷) آزمون t برای مقایسه میانگین نمره‌های دانشجویان مرد و زن در سرسختی

روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی									
جنس متغیر	N	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد	آزمون لون برای برابری واریانس‌ها F	اختلاف میانگین sig	t	df	Sig
سرسخت مرد	۵۴	۵۲/۰۱	۷/۳۱۱	۰/۵۳۲	۱/۷۵۶	۰/۱۸۷	۰/۷۳۸	۱۸۸	۰/۴۶۱
روان‌شناسی زن	۱۳۶	۵۱/۰۱	۸/۸۶۶	۰/۴۰۱	۱/۷۵۶	۰/۱۸۷	۱/۰۰۳	۱۸۸	۰/۴۶۱
خودکارآمدی مرد	۵۴	۲۸/۴۰۷	۳/۹۱۱	۰/۵۳۲	۱/۷۸۶	۰/۱۸۳	۰/۷۹۷	۱۸۸	۰/۲۷۰
عمومی زن	۱۳۶	۲۷/۶۱۰	۴/۶۸۲	۰/۴۰۱	۱/۷۸۶	۰/۱۸۳	۱/۱۰۶	۱۸۸	۰/۲۷۰

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل یافته‌های حاصل از همبستگی متغیرهای مورد بررسی حاکی از وجود رابطه معنی‌دار و مستقیم بین سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی و رابطه معکوس و غیرمعنی‌دار میان نقش‌های جنسیتی مردانگی و زنانگی با سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی می‌باشد. هم‌چنین تحلیل رگرسیون نیز حاکی از آن است خودکارآمدی عمومی به تنهایی میزان نسبتاً بالایی از تغییرات سرسختی روان‌شناختی را پیش‌بینی می‌نماید. آنچه که در تبیین یافته‌های به‌دست آمده می‌توان گفت آن است سازه سرسختی روان‌شناختی به‌عنوان یکی از قابلیت‌ها و صفات شخصیتی قبل از آنکه تحت تأثیر نقش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی باشد با سازه‌های شخصیتی که به‌طور بنیادین ماهیت روان‌شناختی مشابهی دارند، مرتبط می‌باشند. از آنجا که برخورد سرسختانه با چالش‌ها و مسائل زندگی و مدیریت آن‌ها و تبدیل آن به تجربه رشدی به‌منظور حفظ سلامت روانی مستلزم باور و نگرش فرد نسبت به کارایی قابلیت‌های خود و اعتماد به این ظرفیت‌ها در عرصه کلی زندگی است؛ لذا می‌توان انتظار داشت با خودکارآمدی عمومی فرد یا باور به قابلیت شخصی در مواجهه با رخدادهای درونی و بیرونی فرد بجای کناره‌گیری در ارتباط باشد. به‌عبارت دیگر صرف انرژی و تعهد فزاینده جهت تلاش مؤثرتر برای حل مسائل و دست یافتن به موفقیت از رهگذر تمرکز بر اهداف چالش برانگیز و تبدیل آن به فرصت‌ها رشدی از عناصر مشترک روان‌شناختی بین سرسختی

روان‌شناختی و خودکارآمدی است. افرادی که سرسختی بالایی دارند تلاش می‌کنند بر پیامدهای رخدادهای زندگی اثر بگذارند و به شکلی فعال در آن درگیر شوند؛ به‌طور یقین تصور فرد از کارآمدی تأثیرگذاری و کنش‌گری خویشتن در ارتباط متقابل با سرسختی روان‌شناختی است.

در مطالعه‌ای در خصوص بررسی عامل‌های مؤثر در سرسختی تحصیلی^۱ چمرز، هو و گارسیا^۲ (۲۰۰۱) به نقل از هیستاد و همکاران، (۲۰۰۹) دریافتند خوش‌بینی و خودکارآمدی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد و سازگاری با زندگی تحصیلی در دانشگاه تأثیر می‌گذارند. هم‌چنین شکری و همکاران (۲۰۱۰) نیز دریافتند بین خودکارآمدی و سرسختی رابطه مستقیم (۰/۶۶) وجود دارد.

هم‌چنین یافته‌های پژوهش حاکی از عدم همبستگی سرسختی روان‌شناختی، خودکارآمدی عمومی با نقش‌های جنسیتی زنانگی و مردانگی است. تبیین‌های سنتی‌تر ارزش‌های جنسیتی با رویکردی ذات‌گرایانه تعریف مشخص و ثابتی را از رفتارها و صفات وابسته به جنس ارائه نموده‌اند به‌طوری‌که در سایه این نگاه ویژگی‌هایی چون وابستگی عاطفی، هیجان‌مداری، مواجهه منفعلانه با مسائل و چالش‌ها زندگی، واکنش‌های اضطرابی، حس کارایی شخصی و عزت نفس پائین با نقش‌های زنانگی بیشترین همسویی را دارد. در مقابل استقلال، قدرت تصمیم‌گیری، اقتدار، مسئله‌مداری و مواجهه فعالانه و کاراً با مسائل و چالش‌های زندگی، حس بالای کارایی شخصی و عزت نفس از جمله ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی است که با نقش‌های مردانگی همبستگی و همسویی بالایی نشان می‌دهد.

از سوی دیگر به‌نظر می‌رسد باور فرد نسبت به قابلیت‌های خود در حل مسائل و چالش‌ها و تلاش متعهدانه جهت کنترل و مدیریت رخدادهای از ویژگی‌های مشترک خودکارآمدی عمومی و سرسختی روان‌شناختی باشد که می‌تواند به‌لحاظ نظری ارتباط بیشتری با نقش‌های جنسیتی مردانگی داشته باشد. اما مرور مطالعات پژوهشی در

1- Academic hardiness

2- Chemers, Hu & Garcia

حوزه جنسیت حاکی از آن است تفاوت بین نقش‌های جنسیتی زنانگی و مردانگی به‌طور خاص و مردان و زنان به‌طور عام در متغیرهای گوناگون شناختی و روان‌شناختی رو به کاهش است. برای مثال، ورگوت، اورت و واردنبرگ (۲۰۰۹) در مطالعه‌شان دریافتند بین دختران و پسران در خودکارآمدی تحصیلی در واحدهای درسی ریاضیات و زبان آلمانی هرچند تفاوت وجود دارد اما به‌لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد. از این رو به‌نظر می‌رسد کاهش تمایز بین نقش‌های جنسیتی و تفاوت زنان و مردان در متغیرهای روان‌شناختی هم‌چون سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی در ارتباط با کاهش تفاوت‌های انتظارات و مقتضیات اجتماعی-فرهنگی ارزش‌های وابسته به جنس و تغییر «خود»^۱ باشد. کراس و مارکوس^۲ (۱۹۹۱ به نقل از گرین، ۲۰۰۳) نیز معتقدند پنداشت فرد در مورد «خود» در گستره زمان قابل تغییر است. از این‌رو تغییر قضاوت‌های ارزشی افراد در مورد خود همراه با تغییرات سازنده جهت کسب پیشرفت بیشتر نسبت به گذشته، کمال‌طلبی و بهبود وضعیت فرد در اجتماع در طول زمان قابل درک است. لذا، کاهش تمایز زنان و مردان در متغیرهای روان‌شناختی سرسختی و خودکارآمدی عمومی به‌دنبال حضور فعال و گسترده زنان جامعه ما طی سال‌های اخیر در عرصه‌های اجتماعی و علمی محتمل می‌باشد.

علاوه بر این با توجه به آنکه سرسختی روان‌شناختی به‌عنوان مجموعه‌ای از صفات و ویژگی‌های شخصیتی به شکل منبع مقاومت در مواجهه با رخدادهای استرس‌زای زندگی عمل می‌کند، لذا بیش از هر چیزی با توانایی فرد در تعبیر مثبت رخدادهای زندگی و تمرکز بر رفتار هدفمند و هم‌چنین قابلیت فرد در ایجاد شبکه اجتماعی جهت کسب حمایت و به‌کارگیری تلاش پیگیر جهت حل مسائل و چالش‌ها و حضور فعال و مقاوم در برابر استرس‌ها مرتبط است (اسکوموروسکی و سادوم، ۲۰۱۱)؛ که این همه می‌تواند مستقل از نقش‌های کلیشه‌ای جنسیتی اتفاق افتد. از این‌رو در تبیین عدم همبستگی سرسختی روان‌شناختی با نقش‌های جنسیتی مردانگی و زنانگی تغییر پنداشت افراد در گذر زمان نسبت به صفات مردانه و زنانه و حرکت افراد به سمت نقش‌های دو جنسیتی

1- Self

2- Cross & Markus

می‌تواند موثر باشد. از این رو در تعیین همبسته‌های سرسختی روان‌شناختی به‌نظر می‌رسد صرف‌نظر از نقش‌های جنسیتی صفات شخصیتی و جهت‌گیری‌های عاطفی افراد در کنترل خود باید لحاظ گردد.

همچنین یافته‌ها نشان داده است بین میانگین نمرات دانشجویان در گروه‌های تحصیلی سخت و نرم تفاوتی در سرسختی روان‌شناختی و خودکارآمدی عمومی مشاهده نشده است. به‌نظر می‌رسد با توجه به ماهیت متفاوت رشته‌های تحصیلی سخت و نرم و نوع و میزان ارتباط آنها با بازار کار و تأمین آینده شغلی مرتبط و مطلوب و پذیرش اجتماعی متفاوت رشته‌های گوناگون تحصیلی در بررسی نقش رشته‌های تحصیلی به جای مقایسه دانشجویان در سرسختی و خودکارآمدی عمومی بهتر است در سرسختی تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی مقایسه شوند.

از آنجا که این پژوهش در جامعه دانشجویان کارشناسی ارشد انجام شده است، لذا یافته‌ها قابل تعمیم به دانشجویان دوره‌های تحصیلی دیگر و سایر افراد جامعه با سطوح متفاوت تحصیلات نمی‌باشد. همچنین یافته‌های این پژوهش و نتایج آن محدود به داده‌های حاصل از مقیاس‌های خود گزارشی^۱ است؛ از این رو به‌نظر می‌رسد در سنجش این متغیرها خلاء ابزارهایی چون مصاحبه جهت جمع‌آوری داده‌ها در شرایط معماگونه و مسئله محور مبتنی بر چالش‌های واقعی زندگی احساس می‌گردد. پیشنهاد می‌شود جهت تحلیل دقیق‌تر همبسته‌های سرسختی روان‌شناختی از روش تحلیل مسیر برای بررسی تأثیر متغیرهای میانجی و اصلی استفاده شود.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۳/۰۷/۱۰

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۱/۲۰

منابع

- غفوری ورنوسفادرانی، محمدرضا؛ کمالی، مهدی و نوری، ابوالقاسم (۱۳۸۷). رابطه انگیزه پیشرفت و سرسختی روان‌شناختی با هیجان‌خواهی و مسئولیت‌پذیری. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، ۳۵ و ۳۶، ۱۸۸-۱۶۵.
- کیامرثی، آذر؛ نجاریان، بهمن و مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز (۱۳۷۷). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش سرسختی روان‌شناختی، *مجله روان‌شناسی*، ۷، ۲۸۴-۲۷۱.
- Bandura, A. (1997). *Self-Efficacy: The exercise of control*. New York: Freeman.
- Bem, S.L. (1981). Scoring guide for the Bem sex- role inventory. Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press.
- Cakar, F.S. (2012). The relationship between the self-efficacy and life satisfaction of young adult. *International Education Studies*, 5(6), 123-130.
- Green, S. (2003). *The psychological development of girls and women*. London: Rotledge.
- Hystad, S.W. (2012), Exploring gender equivalence and bias in a measure of psychological, *International Journal of Psychological studies*, 4(4), 69-79.
- Maddi, S.R., & Khoshaba, D.M. (1994). Hardiness and mental health. *Journal of Personality Assessment*, 63 (2), 265-274.
- Nelson Laird, T.F., Shoup, R., Kuh, G.D., & Schwarz, M.J. (2008). The effects of discipline on deep approaches to student learning and college outcomes. *Res High Edu*, 49, 469-494.
- Nilsen, H. (2009). Influence on student academic behavior through motivation, self-efficacy and value- expectation: An action research project to improve learning. Issue in Informing Science and Information Technology, 6, 545-556.
- Schwarzer, R., & Born, A. (1997). Optimistic Self- beliefs: Assessment of general perceived self- efficacy in thirteen cultures. *World Psychology*, 3(1-2), 177-190.

- Shekarey, A., Jabery Moghadam, A., Amiri, F., & Sedaghat Rostami, M. (2010). The relation of self-efficacy and hardiness with the education progression among the sophomore girl students in a high school in Aleshtar city. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 1905-1910.
- Shepperd, J.A., & Kashani, J.H. (1991). The relationship of hardiness, gender, and stress to health outcomes in adolescents. *Journal of Personality*, 59(4), 747-768.
- Skomorovsky, A., & Sudom, K.A. (2011). Role of hardiness in the psychological well-being of Canadian Forces officer candidates. *Military Medicine*, 176, 1:7, 7-12.
- Vrgut, A., Oort, F.J., & Waardenburg, L. (2009). Motivation of men and women in mathematics and language. *Int Psychol*, 44(5), 351-359.
- Zosuls, K.M., Miller, C.F., Ruble, D.N., Martin, C.L., & Fabes, R.A. (2011). Gender Development research in sex roles: Historical trends and future directions. *Sex Roles*, 68, 826-842.

